

## احتجاجات فمینیسم و روانشناسی تحولی

مریم.س. میر (مؤسسه مطالعات فرهنگی)

این مقاله در صدد نشان دهد که تا چه اندازه روانشناسی تحولی می‌تواند به احتجاجات فمینیستی کمک کند بی‌آنکه لازم آید که فرم‌ها و ارزش‌های فمینیستی از این روانشناسی اخذ شود. این مقاله سه راه را برای اثبات این مدعا بررسی می‌نماید.

**کلید واژه‌ها:** فمینیسم، روانشناسی تحولی، ارزش‌های فمینیستی، احتجاجات فمینیستی.

## تفسیر هگل از سوپزکتیویته استعلایی نزد کانت

محمود خاتمی (دانشگاه تهران)

این مقاله بررسی کوتاهی است از تفسیری که هگل از عنصر استعلایی کانت و در پی آن سوپزکتیویته استعلایی در بخش اول کتاب خود با عنوان *ایمان و دانش* نموده است. رهیافتی را که هگل در این رساله به مسأله مورد نظر داشته است می‌توان در سه مرحله دسته بندی کرد؛ وی نخست عنصر روانی را در نقد اول بررسی می‌کند و سپس عنصر اخلاقی را در نقد دوم و سرانجام عنصر خیالی را در نقد سوم. با بررسی این سه عنصر هگل ادعا می‌کند که استعلایی (ترانسندانتال) را باید به معنی انسانشناسانه (آنتروپولوژیکال) تلقی کرد و با این تلقی به وحدت بخشیدن ابژه و سوژه مبادرت می‌کند و آن را در جهت رهیافت کلی فلسفه خود تحلیل می‌نماید.

**کلید واژه‌ها:** سوپزکتیویته استعلایی، استعلایی، انسانشناسانه، روانشناسانه، اخلاقی، مطلق.